

چکیده

درس «قرآن» در مدارس، درسی است که در عین سادگی ظاهری، بسیار مسئولیت‌ساز است؛ هم برای معلم و هم متعلم؛ چه در آموختن و چه در رعایت ادب حضور. زیرا این دو قرار است به فرموده‌ی رسول خدا(ص) بهترین خلق باشند! «خیرکم من تعلم القرآن و علمه.»

سرزندگی (رفع خشکی) کلاس قرآن! مسئله من بوده است و پژوهش حاضر، شاید تا حدودی به حل این مسئله کمک کند. امید است این ره‌توشه‌ی تجربه‌شده در کلاس‌هایم، جرقه‌ای باشد برای ادامه‌ی راهمان در تدریس قرآن و تفکر در کلام آن؛ به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی تا ان‌شاءالله تحقق‌بخش پیام مقام معظم رهبری باشیم که فرمودند: «من از معلمین ابتدایی خواهم می‌کنم به درس قرآن در این دوره اهمیت بیشتری بدهند.»

کلیدواژه‌ها: آموزش قرآن، روخوانی قرآن، دوره‌ی

ابتدایی، کلاس خشک، روش تدریس.

مقدمه

«یک مکتب که دارای هدف‌های مشخصی است و مقررات همه‌جانبه‌ای دارد و به اصطلاح سیستم حقوقی، سیستم اقتصادی و سیاسی دارد، نمی‌تواند سیستم خاص آموزشی نداشته باشد... [و در این راستا] معلم باید نیروی فکری متعلم را پرورش دهد که تفکر بدون تعلیم و تعلم امکان‌پذیر نیست.»^۱

تعلیم و تربیت در اسلام- استاد شهید مطهری

از آن‌جا که سعادت یافته‌ام بین معلمین قرآن جایی داشته باشم، سعی کرده‌ام در این مقوله بخشی از چگونگی ایجاد روح تفکر، تعامل، تحرک و شادایی‌آفرینی در کلاس را شرح دهم؛



فهیمة رضایی

آموزگار و معلم قرآن مدارس ناحیه ۴ مشهد

من توانستم
شما نیز می‌توانید
راهکارهای ایجاد طراوت در کلاس قرآن

فعالیتی که برای شکوفایی استعدادها و تربیت توأم با عمل باشد؛ کلاسی که طراوت و شادابی را با کمک دانش‌آموزانم به صاحب کتابش هدیه نمودیم. مقبول درگاه الهی باد.

تعریف و طرح مسئله

از خودم سؤال کردم که من و امثال من چه قدر به خودمان اجازه می‌دهیم که شنونده‌ی موظف-نه از روی تفنن- یک پیام به زبان بیگانه باشیم؟ حداقل ۹۰ دقیقه پیوسته، آن‌هم هفته‌ای یک‌بار، محال است. کم‌بودن هیجان و طراوت در کلاس‌های قرآن مرا بر آن داشت تا با مطالعه‌ی کتبی در زمینه‌های متفاوت روان‌شناسی سنین ۱۰ تا ۱۳ سال و نیازهای آنان، کلاس قرآنم را از سکون خارج کنم. هدف نهایی بهره‌گیری از معرفت بی‌کرانه‌ی قرآن با شاد کردن و طراوت بخشیدن به کلاس‌م بود. دلیل انتخاب این فاصله‌ی سنی برای پایه‌های چهارم و پنجم، این بود که ضعیف‌تر و تیزهوش‌ترهای کلاس را نیز شامل شود.

توصیف وضعیت موجود

رشته‌ام امور تربیتی و سابقه‌ی کاری‌ام ۱۵ سال بود. در مدرسه‌ی ابتدایی پسرانه‌ای در منطقه‌ی نسبتاً برخوردار (مرفه)

تهران، مأمور به تدریس قرآن شده بودم و هیچ‌گونه سابقه‌ای به لحاظ دوره‌ی تحصیلی، جنسیت و موقعیت فرهنگی مدرسه‌ام نداشتم. ناچار بودم به لحاظ اهمیت این درس، شرایط متفاوت را بررسی کنم و میزان علاقه‌ی دانش‌آموزان را به زنگ قرآن محک بزنم.

با توجه به موقعیت فرهنگی جامعه‌ی اطراف مدرسه‌ام، توجه برخی خانواده‌ها به فرزندانشان برای آموزش قرآن، حفظ آیات و عمل به آن‌ها، درخور تقدیر و ستایش بود که از راهنمایی‌های ایشان در بهبود کلاس‌هایم سود جستیم. اما موانع و معایبی یافتیم؛ از جمله:

- پسرانی که به ورزش علاقه‌ی کمتری دارند، روز قرآن و ورزش غیبت بیشتری دارند.
- نزدیک به یک درصد پسرانی که خیلی به ورزش علاقه دارند، می‌کوشند فقط زنگ ورزش به مدرسه بیایند یا حداقل دوست دارند که فقط برای ورزش بیایند.
- دانش‌آموزان می‌گویند ما تا حالا نمرات دروس شفاهی مخصوصاً قرآن را ۲۰ گرفته‌ایم.
- معلمین معتقدند: برای این که دانش‌آموزان از قرآن زده نشوند ۲۰ داده‌ایم.
- از بین بیش از هزار دانش‌آموز، کمتر از ۵۰ نفر در کلاس

درس «قرآن» در مدارس، درسه است که در عین سادگی ظاهری، بسیار مسئولیت‌ساز است؛ هم برای معلم و هم متعلم

هر برنده لبخند می‌زند، برای خوش‌شناسی او کف می‌زند، می‌خندند و مبارکش باشد می‌گویند و به‌عکس نیز... اندیشیدم چرا کلاس این علاقه را در آنان به‌وجود نمی‌آورد؟ چرا از این لطافت روح آنان در کلاس خودم سود نبرم؛ چرا بخشی از این علاقه و خوش‌حالی را برای هم‌کلاسی‌هایشان به‌وجود نیاوردم؟ چرا کلاس من مثل مسابقه‌ی مورد علاقه‌شان، جذاب و باطراوت نباشد؟

روش‌های گردآوری اطلاعات

از هر موقعیتی برای گردآوری اطلاعات سود جستیم؛ از طرز لباس پوشیدن دانش‌آموزان و طرز نگاه‌داری کتاب قرآن تا برخورد خانواده‌ها، مخصوصاً هنگام اخذ کارنامه. اما اصلی‌ترین روش‌های گردآوری اطلاعات در این پژوهش عبارت بودند از:

الف) ملاحظات عملی: یکی از یافته‌هایم در همین ملاحظات عملی این بود که: در کلاس بیشتر زمان تدریس، به‌خصوص اگر مطلب جدید باشد، دانش‌آموز سراپا گوش است و چشم، فرقی هم در نوع مطلب نیست؛ چه اطلاعات عمومی باشد یا داستان یا قواعد درس. اگر در کنار این مطالب جدید کار عملی باشد، مثل نوشتنی و حل تمارین کتاب، جو حاکم بر کلاس رضایت‌بخش‌تر است.

ب) نقاشی: معمولاً اولین جلسه‌ی قرآن را بدون برنامه‌ی قبلی وارد کلاس نمی‌شوم و روز قبل اعلام می‌کنم که برای اولین زنگ قرآن (در سال تحصیلی جدید)، مداد رنگی، دفتر و ورق همراهتان باشد.

در نقاشی‌خوانی و روان‌شناسی نقاشی تخصص ندارم، اما مطالعات جانبی فراوانم و نیز تجربه‌ی چندین ساله‌ام، به یاری من در تشخیص می‌آیند. معمولاً در اولین زنگ قرآن نقاشی‌هایی به دانش‌آموزان سفارش می‌دهم و پس از اتمام نقاشی، کمی توضیح می‌خواهم. برخی از یافته‌هایم با این روش به شرح زیر بوده‌اند:

● از یک کلاس چهارم ۳۴ نفره پرسیدم: «دوست دارید جلد کتاب قرآن شما چه شکلی داشته باشد؟» جز یک نفر، لبخند روی جلد را حذف کرده بودند و بقیه هم نقاشی بدون حضور کودک ارائه دادند. وقتی دلیل را سؤال کردم، یا سر خاراندند و یا خنده تحویل دادند (ضمیمه‌های ۱ تا ۳).

● موضوع دیگر نقاشی من در دو کلاس چهارم دیگر که قریب به ۷۰ نفر بودند، «من و قرآن» بود. در نقاشی‌هایشان آدم‌ها اکثراً شاد و خوب بودند، اما لابه‌لای آن‌ها مواردی هم بود؛ از جمله:

● از نقاشی ارائه شده در ضمیمه‌ی ۴، برداشت من و نظر

فوق‌العاده‌ی قرآن که بی‌ارتباط با درسشان نیست، شرکت کردند. این درحالی است که در همین دوره‌ی تحصیلی (ابتدایی) و در همین مدرسه، حداقل یک‌چهارم دانش‌آموزان در کلاس‌های زبان، ورزش و موسیقی ثبت‌نام کرده‌اند و شرکت می‌کنند. این موضوع می‌تواند بیانگر میزان اهمیتی باشد که برخی خانواده‌ها برای این درس‌ها قائل هستند.

● وقتی مسابقات قرآن را اعلام می‌کنم، این سخنان را می‌شنوم: «جباری است؟ پول می‌خواهد؟ وقت نداریم! اگر نیایم چه می‌شود؟ در نمره‌ها تأثیر دارد؟»

● در زنگ قرآن دانش‌آموزانم یا تشنه‌اند، یا می‌خواهند تماشاچی فوتبال کلاسی دیگر باشند، یا با مدیر و ناظم و... کار دارند، یا این که زنگ تفریح یادشان رفته دست‌شویی بروند و حالا اجازه می‌خواهند. اگر از طرف خانواده‌ها هم پشتیبانی شوند، یا نوبت دکتر دارند، یا باید به مهمانی بروند. اگر هم روز قبل از تعطیلات باشد، مسافرت درپیش دارند.

خلاصه‌ی کلام، راه‌های فرار متعدّدند. اکنون این دانش‌آموز باید علاقه‌مند به کلاس باشد و تکرار آیات قرآن، و اگر معنی جدیدی برایش نداشته باشد، اصلاً درس جدیدی نخواهد بود. فقط گاهی قواعد پایان دروس جدید هستند که شکر خدا، سهل‌الهمضم هستند و شاگرد ما سرشار از هوش و استعداد است. استفاده از نوار هم بعضی اوقات خسته‌کننده و حتی نامفهوم است؛ زیرا با تلفظ حروف آشنا نیستند. داستان‌های کتاب را هم یا قبلاً به‌طور کامل مطالعه کرده‌اند یا در کتاب‌های دیگر خوانده‌اند، از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها شنیده‌اند، در تلویزیون دیده‌اند و یا سی‌دی و نوار ویدیویی آن را دارند؛ که اگر بخواهم به مدرسه می‌آورند تا من هم استفاده کنم.

راستی چه ضرورتی دارد؟ برای او، خواندن قرآن جز ده قاعده‌ی جدید، تکرار مکررات است. چرا باید به او بگویم قرآن بخوان، مؤدب بنشین، صحبت نکن... تا بهشت را به تو بدهند؟! بهشتی که او را به لحاظ سنی هنوز از آن خارج نکرده‌اند و ان‌شاءالله که هیچ‌گاه خارج نخواهد شد. بهشت او در حال حاضر حیاط و فوتبال یا نقاشی، کتاب‌خانه، بازی و... است که نقد هستند؛ آخر وعده‌های نسیه و دور چرا؟

فرزندان خودم و دیگر دانش‌آموزان را می‌بینم که کتاب درسی با مطالب جدید و لازم‌المطالعه به دست، مسابقه‌ی تلویزیونی تماشا می‌کنند؛ مسابقه‌ای که نه شرکت‌کننده‌اش را می‌شناسند و نه برد و باخت آنان ذره‌ای بر زندگی‌شان (منظور تماشاچی است) تأثیر می‌گذارد. اغلب سؤال‌ها هم در سطح معلومات نوجوان ما نیست. آن‌ها روح خیلی لطیفی دارند. برای

دانش آموز مشترکاً این بود که جای قرآن بیشتر در مسجد است.

● قرآن با پدر، مادر، مادربزرگ و... (ضمیمه ۵). امیدوارم خودش با قرآن فاصله نداشته باشد.

● استفاده از رنگ‌های تیره و سرد، با توجه به این که جعبه‌ی مداد رنگی ۱۲ تایی کنار دست اوست و قضاوت با خواننده (ضمیمه ۶).

ج) مصاحبه با دانش آموزان: این مصاحبه در زمینه‌ی میزان آشنایی آنان با مطالب قرآنی بود و سؤال این که در قرآن چه مطالبی هست. آن چه تحویل گرفتم بدون استثنا عبارت بود از: نماز و روزه، بهشت و جهنم، و دروغ و اخلاق.

د) مصاحبه‌ی مجدد با دانش آموزان: این بخش برای آشنایی بیشتر با خواسته‌های ایشان بود و از بین پاسخ‌ها، آن چه در حوصله‌ی این بحث است، از این قرار بود:

● خانم مطلب جدید همراه داشته باشید.

● زنگ قرآن برای ما خسته کننده است، اگر خوب گوش کنیم جایزه‌مان فوتبال باشد.

● آیا می‌شود هم قرآن را گوش کنیم هم تکرار کنیم، ولی بی‌صدا نقطه بازی کنیم؟

● اجازه بدهید وقتی قرآن را تکرار می‌کنیم، زیر میز پای ما روی توپ باشد.

● قرآن را گوش می‌کنیم، چون ثواب دارد.

● حالا نمی‌شود یک نمره‌ی ۲۰ بگیریم و برویم؟! **(ه) مصاحبه با همکارانم:** به منظور آشنایی با

دانش آموزان و برای برگزاری کلاس مطلوب. پیشنهادهای راه‌گشای آنان از این قرار بود: کلاس‌های قرآن خشک‌اند، آن‌ها را شیرین کنید. فقط تکرار نباشد، مطلب جدید همراه داشته باشید. داستان بگویید.

و) مصاحبه با اولیا: برای آشنایی با انتظارات ایشان و روحیات دانش آموزان و پاسخ‌ها این گونه بودند:

● به بچه‌ها نماز را بیاموزید.

● خیلی سوره‌ها را بلد است.

● مجبورش کنید تکرار کند، استعدادش زیاد است.

● وادارش کنید قرآن حفظ کند.

● آرزو دارم قرآن بلد باشد و در مسابقات شرکت کند.

● ما (پدر، برادر، خواهر و...) به او یاد داده‌ایم، ولی...

ز) مطالعه‌ی مقدمه‌ی کتاب درسی: به منظور آشنایی بیشتر با انتظارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل مسائل

۱. تکراری و یک‌نواخت بودن ۲. کمبود جذابیت‌های کودکانه	عدم جذابیت کلاس
۱. نقش خانواده‌ها ۲. عدم توجه در سال‌های قبل ۳. اعتماد به نمرات سال‌های قبل	بها ندادن به کلاس قرآن
۱. قرار گرفتن قرآن و ورزش در یک روز ۲. شرایط حاکم بر کلاس، مناسب برای ورزش (مخصوصاً لباس)	وجود جذابیت‌های بیرون از کلاس
۱. عدم حضور معلم مربوطه در مدرسه ۲. نداشتن فرهنگ هماهنگ ۳. رنگارنگ بودن لباس‌های ورزشی	اطاعت‌پذیری کمتر دانش‌آموزان در روز قرآن
بستری مناسب برای نگاه بسته کردن به قرآن	عدم بهره‌برداری از کلاس قرآن

علل کم‌علاقگی دانش‌آموزان به کلاس قرآن

پی‌نوشت

۱. تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مطهری.